

وقت بیداری

به بسنده: عاطفه طالب پور

خاطرات بانوی اینثارگر زهرا روغنیان



اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خراسان شمالی

سرشناسه: طالب‌پور، عاطفه، ۱۳۶۵

عنوان و نام پدیدآور: وقت بیداری : خاطرات بانوی ایثارگر زهرا روغنیان/نویسنده عاطفه طالب‌پور
مشخصات نشر: بجنورد: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های
دفاع مقدس استان خراسان شمالی، نشر معبر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.

شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال : ۴-۲-۹۹۸۸۶-۶۰۰-۹۷۸

ذخیره فهرست نویسی فیبا

موضوع: روغنیان، زهرا، ۱۳۳۷ - - خاطرات

رضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷. - خاطرات

موضوع: Personal naratives — Iran - Iraq war, ۱۹۸۰-۱۹۸۸

شناسه: رده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع

مقدس استان خراسان شمالی، نشر معبر

رده بندی کنگره: ۱۳ / ۱۶ / ۶۷۰ DSR

رده بندی دیویی: ۹۲۲ / ۵۵۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۰۰۰۷۸



وقت بیداری / نویسنده: عاطفه طالب‌پور / اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خراسان
شمالی

ویراستار: مرکز ویراستاری دانشگاه دولتی بجنورد

طراح جلد: عبدالحسین آخرتی

صفحه‌آرا: سپیده خداف

ناشر: معبر

سال و نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۴-۲-۹۹۸۸۶-۶۰۰-۹۷۸

فهرست:

۷	مقدمه
۱۱	فصل اول وقت بیداری
۵۳	فصل دوم نبرد در دو سنگ
۱۲۱	فصل سوم جبهه دشمنان
۱۶۷	پایان جنگ تحمیلی
۱۷۷	سال ۱۳۷۶ انتقالی به بیروان
۱۹۵	پرده آخر
۱۹۹	اسناد و تصاویر

مقدمه:

شیان سرزمین من از تبار عقل و عشق اند؛ همان دخترانی که روزگاری دامن من بسته شدند، عاشقانه نان می پختند و عرق جبین می ریختند. زمانی هم رسید که آستین ها را بالا بردند و دوشادوش مردانشان می جنگیدند. هیچ گاه لازم نبوده کسی جوانمرد پروری را به آنان یادآوری کند؛ چرا که بانوی مسلمان ایرانی می داند چگونه ایران اسلامی را زنده نگه دارد..

در مسیر بارور شدن بهال نیای انقلاب اسلامی، بانوان بی شماری جان در طبق اخلاص نهادند و چه بسا بیش از مردان زنده ت کردند. در گوشه گوشه میهن ما هستند که شهید گمنام اند، کسی راز شهادت را نداند. بودنشان را نپرسیده و آنان نیز دم بر نیاورده، ترجمان زیبای این بیت را به ما آموختند:

هر که را اسرار حق آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند

خطه قهرمان پرور خراسان شمالی زادگاه زنانی است که جوانمردی، لایلی کودکانشان بوده و آزادی مشق هر شبشان. در این میان بانویی را یافت که دل های عمرش را صرف خدمتی صادقانه و عاشقانه کرده است. همسری مهریاز که شاید هم نوعانش هیچ گاه از تجربیات او بهره نگرفتند و مادری که مردمان شهر، او را دریافتند.

بانوی امدادگر، خانم زهرا روغنیان، شیرزنی که حدود سی سال سربلندی در کارنامه‌اش می‌درخشد؛ سال‌هایی که از بی‌توجهی مسئولان و بی‌مهری ما مردم در سایه مانده است.

سال ۱۳۹۲ بعد از گذشت ۲۳ سال از پایان جنگ تحمیلی، همکاران بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس برای ثبت خاطرات این بانو قدم نهادند. این درست در مقطعی واقع شد که خانم روغنیان همسرشان را به تازگی از دست داده بودند. دو مسئله موجب می‌شد خاطرات، انسجام و پیوستگی لازم را نداشته باشد؛ اول، گذشت مدت‌زمان بسیار طولانی از وقوع حوادث و دوم، آشفتگی ذهنی ناشی از درد فراق همسر.

پانزده ساعت مصاحبه ده‌سازی شده به منظور تدوین اثر، تحویل این‌جانب شد. در این میان محظورات شخصی و برخی پاره‌ای ملاحظات اجتماعی، مانع از دیده شدن برخی وقایع در متن نهایی اثر شده است. یکی دیگر از معضلات روشن در مسیر پیش‌رو، به خاطر نیاوردن تاریخ دقیق وقایع، تداخل آن‌ها از نظر حقایق تاریخی و نهایتاً تغییر نظر راوی در خصوص تاریخ وقایع بوده است. به همین جهت طی سه جلسه حضوری و چندین جلسه تلفنی؛ سعی خود را در رفع تناقضات روایت به کار گرفتیم. به لطف حضرت حق و همکاری سرکار خانم روغنیان، حدود زیادی موفق بودیم. در ذکر وقایع از بعضی اسامی مستعار استفاده و بعضی از روایات نیز بدون ذکر نام شخص خاص بیان شده است.

آنچه در نام‌گذاری این اثر مدنظر بوده، ایجاد تحول و بیداری درونی‌ای است که در راوی رخ داده است. ایشان بیداری درونی خود را در اثرپذیری از پدر بزرگوارشان، زنده

یاد محمدابراهیم روغنیان، معلم دوران دبیرستان، زنده یاد خانم درانی و آموزه‌های
مذهبی ایام انقلاب می‌دانند.

آنچه به رشته تحریر درآمده بضاعت کم نویسنده و خضوع راوی را می‌رساند. امید
است رضی درگاه حضرت احدیت واقع شود.

www.ketab.ir